



نهادینه‌سازی اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران

وحید حاجی حیدری^۱، رسول نظری^{۲*}، ایمان باستانی فر^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تدوین استراتژی‌های نهادینه‌شده در سیاست کلان اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران با استفاده از طرح نظام‌دار نظریه داده بنیاد بود.

روش‌شناسی: شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت ورزشی و اقتصاد بودند که از بین آنها ۱۲ نفر مدنظر قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری پژوهش، روش نظری بود، به این صورت که داده‌ها در جریان پژوهش تکوین یافت و هر داده از تحلیل داده‌های پیشین شکل گرفت. نمونه‌گیری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت. ابزار پژوهش حاضر، مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی بود. اعتبار یافته‌ها با روش‌های تطبیق توسط اعضاء، بررسی همکار و مصاحبه‌های آزمایشی تعیین شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده گردید.

یافته‌ها: پس از اتمام مصاحبه‌ها فرایند کدگذاری با ۱۹۳ کد باز، ۹۵ کد محوری و ۷۳ کدانتخابی در قالب ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی شامل: موجبات علی، مقوله‌های مرکزی، راهبردها، ویژگی‌های زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها شناسایی شدند.

نتیجه‌گیری: به طور کلی می‌توان اذعان نمود که یکپارچه‌سازی مقوله‌ها بر مبنای روابط موجود بین موجبات علی، عوامل محیطی، شرایط مداخله‌گر و راهبردها حول محور نهادینه‌سازی اقتصاد مقاومتی در ورزش می‌تواند پیامدهای مثبتی در سطح کلان اقتصاد ایران داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، استراتژی، سیاست کلان، مدیریت ورزش، نهادینه‌سازی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران ۲. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران ۳. استادیار اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

* نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: r.nazari@khuif.ac.ir, nazarirasool@yahoo.com

مقدمه

جهان در شرایط متغیری از فرآیندها می‌باشد. در این بین سازمان‌ها به شدت تحت‌تاثیر تغییرات پرشتاب قرن حاضر قرار گرفته‌اند. بدین منظور پدیده‌ها نیازمندند فرآیندها و روش‌ها را به منظور ایفای نقش معنادار در محیط مورد بررسی قرار دهند و فرآیندهای عملیاتی را به منظور دستیابی به رسالت‌ها، ارزش‌ها و مطلوبیت‌ها، سازمان‌دهی کنند (Miles & Van Clieaf, 2017). آنچه مسلم است یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین فعالیت‌ها در سازمان جهت همگامی مثبت با تغییرات و توانایی رقابت سالم در جامعه، استفاده از سیستم‌های بهبود پاسخگویی جهت رسیدن به هدف‌های مطلوب و سازنده آن سازمان محسوب می‌شود (Nazari, Tabatabaei, & Karimian, 2017). باید اذعان نمود هیچ بنگاه اقتصادی و خدماتی در خلأ فعالیت نمی‌کند، همه سازمان‌ها همانند یک سیستم پویا و ارگانیک در داخل محیطی قرار دارند که با دیگر اجزای محیط در تعامل متقابل هستند و از هم دیگر تأثیر می‌پذیرند (Mobini Dehkordi & Heidari, 2014). موضوع اقتصاد و به‌ویژه علم اقتصاد از آغاز زندگی بشر، با او همراه بوده است. رفتارهای اقتصادی انسان ریشه در نیاز او دارد. با گذشت زمان، افزایش جمعیت، محدودیت منابع و نیز با افزایش و تنوع نیازها در فرایند تحولات جهانی و توسعه تمدن بشری، مسئله اقتصاد و تامین معاش و نیازمندی‌های انسان دائماً متحول و پیچیده‌تر می‌شود (Asadi, 2014). علم اقتصاد ابزار بهینه‌سازی وضعیت اقتصادی (فرد و جامعه) است که در چارچوب قیدها و محدودیت‌های مکتب اقتصادی و با در نظر

گرفتن ملاحظات نهادی عمل می‌کند (Lotfalipour, 2004). نظام اقتصادی مجموعه مرتبط و منظم از عناصری است که به‌منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می‌کند. یک برنامه جامع اقتصادی، منابع و نیازها را به هم‌ربط می‌دهد، تکلیف و عواملان اقتصادی و وظیفه نهادهای اجتماعی (دولت، مردم، شرکت‌ها و غیره) را معلوم می‌کند (Asadi, 2014).

به‌نظر می‌رسد می‌توان اذعان نمود هرکسوری الگویی برای اداره اقتصاد لازم دارد که این الگو از ادبیات اقتصادی، مطابق با ویژگی‌های هرکسوری استخراج می‌شود. اتخاذ تدابیر و راهبردهای اقتصادی متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگی، بومی و نیازهای عمومی جامعه برای پیشبرد نظام سیاسی به سوی تعالی در ساحت‌های مادی و معنوی امری بایسته است که با توجه به ارزش‌های حاکم بر اقتصاد اسلامی، ضرورت آن دوچندان می‌گردد. اقتصاد مقاومتی یک راهبرد دراز مدت در مدیریت اقتصاد کشور و طراحی الگو و رژیم برای مقاوم‌سازی درونی اقتصاد، تعالی و پیشرفت جامعه بر مبنای اصول اقتصاد اسلامی است، به طوری که اقتصاد کشور قادر باشد در برابر حمله و تزریق زهر عوامل اقتصادی و غیراقتصادی بیرونی و داخلی با انعطاف‌پذیری زیاد واکنش نشان داده و در درون خود همانند یک سامانه موجود زنده پادزهر لازم را تولید و عوارض را با موفقیت پشت سر گذاشته و بالندگی لازم و آمادگی بیشتری نیز در برابر آسیب زندگان بعدی پیدا کند (Heydari, 2017). در علم اقتصاد و برنامه ریزی اقتصادی، مفهوم و عمل

هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می‌گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند (Heydari, 2017).

مفهوم اجرایی اقتصادمقاومتی به معنای ایجاد نهاد مناسب (مجموعه‌ای از سیاست‌ها، قوانین و تدابیر اجرایی) جهت به حداقل رساندن خطرپذیری (ریسک) اقتصاد ایران در برابر تکانه‌ها و اختلال‌های آسیب زننده داخلی و خارجی، به ویژه تحریم‌های بین‌المللی است تا زمینه را برای دستیابی ایران به پیشرفت‌های پایدار اقتصادی فراهم نماید (Daneshjafari & Karimi, 2015). از آنجا که یکی از بهترین راه‌های گذر از مسائل اداری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، تلاش برای نظریه‌پردازی پیرامون اقتصادمقاومتی و برنامه‌ریزی برای عملیاتی ساختن آن است، برای کاهش آسیب‌پذیری از یک طرف و پیمودن مسیر توسعه کشور از سوی دیگر، لازم است رویکرد جدیدی در برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی اتخاذ گردد که این موضوع در قالب ادبیات اقتصادمقاومتی قابل تبیین است. این نوع اقتصاد معمولاً در رویایی و تقابل با اقتصاد سلطه قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف خود دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، می‌بایست به سمت محدود کردن اتکای اقتصاد کشور به منابعی که وابستگی

مقاومت به معنای بهینه‌سازی در هر شرایطی نهفته است (Seif, 2012). تشدید نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در طی دهه‌های اخیر کشور لزوم اعمال مدیریت بحران در شیوه‌های اطلاع‌رسانی و پیاده‌سازی سیاست‌های بالادستی و پایین‌دستی به‌منظور کاهش هزینه‌های تحمیلی به جامعه و رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی را تأکید می‌کند (Eidelkhani, Akhavan, & Hosnavi, 2017).

اقتصادمقاومتی مفهومی عملی برای جهش کشور در بعد اقتصاد، قدرت نظامی، فرهنگی، علمی و تکنولوژیک است. در اقتصادمقاومتی برای برداشتن گام‌های بلند در راستای پیشرفت کشور در حین مقاومت، توجه به کیفیت و قیمت و تنوع تولیدات داخل، اصلاح مدیریت‌های اجرایی و عملیاتی با نگرش رسیدن به خودکفایی و اتخاذ تدابیر لازم برای خوداتکایی در برخی زمینه‌ها لازم است (Fashari & Pourghfar, 2014)، لذا اقتصاد مقاومتی یک برنامه کوتاه‌مدت نبوده و بلکه یک فرایند و راهبرد کلان است و مربوط به دوره تحریم نخواهد بود و بلکه اگر تمام حجم‌ها پایان یابند و نیز با لحاظ نمودن شرایط مکانی و زمانی، باز هم تمامی عناصری که در سند سیاست‌های کلان اقتصاد-مقاومتی وجود دارد، جزو برنامه‌های کشور خواهد بود و باید به این سیاست به‌عنوان یک راهبرد توجه شود (Soleimani & Seyyedhoseinzadeh Yazdi, 2016). در برداشتی مفهومی از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد را رویکردی فعال در اقتصاد می‌دانند که منجر به کاهش آسیب‌پذیری و افزایش پیشرفت اقتصاد یک کشور می‌شود (Goya, 2014). اقتصادمقاومتی یک نظام اقتصادی است که

عنوان یکی از ارکان و عناصر مدیریت راهبردی برای مدیران، نقش کلیدی دارد، هوشمندی به عنوان فرآیند، به نیازسنجی گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات اشاره کرد که این اطلاعات تحلیل شده برای اتخاذ تصمیم‌گیری‌های مناسب در اختیار اعضای سازمان قرار می‌گیرد (Zhang, Sh, & Foo, 2012).

در دهه‌های اخیر، صنعت ورزش دوران جدید و تازه‌ای را تجربه می‌نماید به‌طوری که ورزش به عنوان یک بخش اقتصادی در تولید کالاها و خدمات ورزشی و توسعه اقتصاد ملی کشورها، یکی از درآمدزاترین صنایع در قرن ۲۱ به شمار می‌رود (Salimi, Sultan Hussein, & Naderian Jahromy, 2015). باید اذعان نمود ورزش به‌عنوان ابزاری در حوزه‌های مختلف، تأثیرات گسترده‌ای به‌جا می‌گذارد. امروزه ورزش در سلامت افراد، گذراندن اوقات فراغت سالم، با نشاط، لذت‌بخش و ایجاد روابط سالم در جامعه و پیشگیری از بسیاری از مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی و به خصوص در نسل جوان، نقش خود را متجلی ساخته‌است (Seyed Javadin, Barari, & Saatchian, 2014). بنابراین عناصر و ارکان مختلف درگیر در امر ورزش به عنوان عوامل تأثیرگذار بر جامعه‌امروزی هستند چرا که روزه‌روز نیاز به ورزش بیشتر احساس می‌شود و از اهمیت زیادی برخوردار است. از این‌رو امروزه بسیاری از شرکت‌ها ورزش را به عنوان یک سازمان و با ویژگی‌های سازمان در نظر می‌گیرند در این راستا افراد بر انجام فعالیتهای ورزشی اثرگذار می‌باشند (Mohammad Kazemi & Omidi, 2011).

ایجاد می‌کند حرکت کرد و توجه داشت که اقتصادمقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی نظام سلطه است که اقتصادمقاومتی معنا می‌یابد. از این رو ضروری است مفهوم اقتصاد مقاومتی و نیز ضرورت مطالعه و راهکارهای تحقق آن در اقتصاد ایران مورد بررسی قرارگیرد (Makian & Zangiabadi, 2016). از این‌رو می‌توان اذعان نمود که طراحی یک الگوی مشخص از شیوه زندگی متناسب با اقتصادمقاومتی برای عموم مردم امری ضروری است.

در تحلیل مولفه‌های اقتصادمقاومتی در یک چارچوب اقتصادی و مقایسه آن با ادبیات موضوع، این نتیجه حاصل شد که این مولفه‌ها در واقع ارائه تصویری از رویکرد اقتصاد مقاومتی بوده که با اتکا به مکانیزم داخلی و مشارکت اجزای جامعه به دنبال درون‌زایی اقتصاد و رقابت‌پذیری است که در محتوای خود به دنبال کارکرد صحیح از نهادهاست و الزامات تحقق اقتصادمقاومتی، ارتقاء کارآفرینی در نهادهای سطح کلان، حکمرانی خوب، کارایی دولت در اجرای با کیفیت قوانین، ثبات و همگرایی سیاسی و مهمتر از همه تدوین اصول جدید در تصمیمات است که در نهایت منجر به حفظ کارکرد بازار در مواقع بروز مخاطرات می‌گردد و اقتصاد را به مفهوم واقعی تاب‌آور می‌نماید. در این راستا اندیشمندان حوزه مدیریت، مدیریت راهبردی را به عنوان عامل مهم و حیاتی برای سازمان‌ها به منظور ایجاد ارزش و مزیت رقابتی پایدار در محیط پیچیده و رقابتی امروزی لحاظ کرده‌اند (Montes, Moreno, & Fernández, 2004). در این راستا هوشمندی راهبردی به-

از دایره توسعه نیافتگی را برنامه‌ای عمل کردن در حوزه ورزش می‌داند. با چنین اندیشه‌ای در مقوله ورزش علاوه بر دارا بودن برنامه راهبردی و چشم انداز شفاف، به دنبال حضوری موفق در عرصه‌های ملی و بین‌المللی نیز هستند و امیدوارند با اجرای این راهبردها به اهداف تعیین شده، با حداقل انرژی و منابع دست‌یابند (Gohar Rostami, Koozehchian, Amiri, & Honari, 2012). سالانه بخش چشمگیری از منابع در ورزش صرف می‌شود اما باید اذعان کرد که برخلاف تصور، اولویت‌بندی مشخص در توزیع منابع در ورزش کشور وجود ندارد (Ghalibaf, 2010). با توجه به اهمیت برنامه-ریزی راهبردی در توسعه مقوله‌های مختلف از جمله ورزش، ضرورت توجه به این مهم در کشور نیز بیش از پیش واجب است و بدون شک یکی از دلایل عدم توسعه کشور در عرصه ورزش، کم‌توجهی مسئولان به این مقوله مهم و سلیقه‌ای عمل کردن است (Nazari et al., 2017).

وابستگی شدید اقتصاد ایران به صادرات نفت، و نوسانات قیمت آن و پایان‌پذیر بودن این منبع اقتصادی، نیاز توجه به دیگر صنایع درآمدزا را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار کرده‌است. مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که سیاست‌های توسعه صادرات غیرنفتی، جدا از ارز حاصله، کمک زیادی به سایر بخش‌ها و متغیرهای اقتصادی خواهد کرد. در سال‌های اخیر تغییر جهت ملموسی در استراتژی توسعه اقتصادی کشور مشاهده می‌شود که در این رویکرد جدید، توسعه صادرات با تأکید بر صادرات غیرنفتی یکی از راهبردهای بارز در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

باید توجه داشت که در عصر گسترش روزافزون جهانی شدن، رقابت پذیری یک موضوع مهم در بین سیاست‌گذاران صنایع مختلف می‌باشد در این میان یکی از بحث‌برانگیزترین صنایع، صنعت ورزش است (Tahmasbpour Shafiei, Hosseini, Dosti Pashaklaei, & Alizadeh, 2016). به‌نظر می‌رسد در هزاره سوم، هر پدیده‌ای از جمله مقوله ورزش برای بقا و دوام در عرصه رقابت جهانی به سازمانی راهبردمحور تبدیل شدند، چرا که تفکر راهبردی، در جستجوی چرخه‌های زاینده و پاینده برای سازمان است (Lashkar Boloki, 2011). از آنجا که ورزش از مؤثرترین عوامل اثرگذار در رشد اقتصادی و درآمدزاترین صنایع در قرن حاضر می‌باشد (Amini Roshan, Sharifian, & Nurayi, 2014)، لذا به عنوان بخش اقتصادی، چه از بعد عملی و چه سرگرمی، در تولید و مصرف کالاها و خدمات ورزشی و توسعه اقتصادی جوامع مختلف نقش اساسی دارد و هم‌اکنون یکی از مؤثرترین عوامل اثرگذار در رشد اقتصاد ملی به‌شمار می‌رود (Moharramzadeh, 2006).

(Kennelly & Toohey, 2014) اذعان می‌دارند در جهان پرشتاب امروز، توسعه مردم، ورزش و محیط از طریق بوم شناختی اجتماعی صورت می‌پذیرد (Kennelly & Toohey, 2014). از این‌رو بسیاری از سازمان‌های ورزشی کشورهای مختلف بر حسب ماموریت خود راهبرد لازم را تهیه کردند و با اجرای آن به موفقیت‌های خوبی دست یافتند. با حاکمیت چنین تفکری، برخی از سازمان‌های ورزشی برای توفیق در ماموریت خود راهبرد سازمانی خود را تدوین نموده‌اند. از همین‌رو راه برون‌رفت

محسوب می‌شود. در تعقیب این استراتژی نیاز استفاده از تمامی فرصت‌های تجاری قابل بهره‌برداری کشورهای درحال توسعه مانند ایران که با کمبود درآمد ارزی مواجه‌اند، ضرورتی انکارناپذیر است و اهمیت توجه به صنایع درآمدزایی همچون ورزش را دوچندان می‌کند (Askarian & Jafari, 2007).

از آنجایی که این مولفه‌های فرهنگ اقتصادی نیازمند آموزش و ترویج عمومی هستند، رسالت نهادهای آموزشی و تربیتی در فرایند تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. به عبارتی دیگر، نهادهایی نظیر خانواده، مدارس و نظام آموزش عالی می‌توانند به درونی‌سازی ارزش‌های اقتصادمقاومتی در سطح جامعه همت گمارند و اصول سیاستی اقتصادمقاومتی را در افراد درونی‌سازی نمایند. گزینش، طراحی و عملیاتی نمودن راهبردهای اقتصادی برای تحصیل رشد و تعالی برای جامعه نیز یکی از روش‌های معمول در میان کشورهای دنیا است و هر کشوری سعی دارد تا راهبرد و روش‌های رسیدن به آبادانی و پیشرفت خود را طراحی و تدوین نماید (Heydari, 2017).

همانگونه که تحقق سیاست‌های کلان اقتصادی در تمامی زمینه‌های جامعه مورد قبول است و لزوم اجرای آن احساس می‌شود جامعه گسترده ورزش نیز خارج این الزام نخواهد بود و با توجه به بعد کلان و جامعه گسترده آن، اعتقاد و عمل به این سیاست کلان در راستای تصمیم‌گیری و اجرایی در لایه‌های زیرمجموعه ساختاری و نهادی، موثر واقع خواهد شد. گسترش موفقیت‌های مقوله ورزش در بعد همگانی می‌تواند متضمن سلامتی جامعه گردد و دستاوردهای ورزش در بعد قهرمانی می‌تواند

پویایی و عزت نفس ملی را افزایش دهد. همچنین گسترده‌گری اجرایی و هدف‌گرایی ورزش به جهت ازدیاد مصرف‌کننده و پهنای جغرافیایی، تفاوت زیست محیطی موثر، زیرساخت‌های متفاوت مورد نیاز و مواردی از این‌دست روند ورود بخش خصوصی را با هدف سرمایه‌گذاری در کنار بخش دولت فراهم می‌آورد که خود یکی از موارد تحقق کلان سیاست اقتصادمقاومتی است. ورزش به دلیل تولید محصولات ورزشی، نقش مهمی به‌عنوان یک جزء کلیدی در توسعه اقتصادی دارد و با تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، عامل مؤثری در پیشرفت اقتصاد جامعه و بخش پول‌ساز اقتصاد به شمار می‌آید. در حال حاضر در کشورهای پیشرفته، ورزش و تفریحات سالم، یک صنعت بسیار مهم و عامل اثرگذار در رشد و توسعه اقتصاد ملی است. از این‌رو صنعت ورزش می‌تواند یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی باشد و نقش مهیج و مهمی در اقتصاد ورزش و حتی رشد اقتصاد ملی داشته باشد. صنعت ورزش، ظهور اقتصاد مدرن انسانی در قالب یک اقتصاد جدید صنعتی است. با این توصیف همچنان احساس می‌گردد اهمیت این سیاست به معنای واقعی توسط مسئولین امر و همچنین مردم به‌عنوان مصرف‌کننده و بخش خصوصی سرمایه‌گذار هنوز به جد مورد بررسی و به صورت کاربردی مورد استقبال قرار نگرفته است و همچنان شعارگرایی نقش اساسی را در تبیین این مهم بازی می‌کند. چگونه می‌تواند سیاست کلانی همچون اقتصادمقاومتی ضرورت یک جامعه قرارگیرد اما مطالعات آکادمیک پیرامون تفسیر و قابل اجرایی شدن آن نادیده گرفته شود. هدف‌گذاری، ارایه راهبرد و طراحی

باز پاسخ بود و بر اساس ابعاد نظریه داده‌بنیاد، موجبات علی، شرایط محیطی، ویژگی‌های زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای نهادینه‌سازی سیاست اقتصادمقاومتی در مدیریت ورزش را مورد بررسی قرار داد تا از زبان مصاحبه‌شوندگان موضوع روشن شود. زمان در نظر گرفته شده برای هر مصاحبه به طور میانگین ۳۰ دقیقه بود. تمام مصاحبه‌ها توسط شخص محقق انجام گرفت و در ادامه پیاده‌سازی شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل خرد استفاده گردید به این صورت که داده‌ها از طریق فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی و براساس طرح نظریه داده بنیاد استراوس و کربین تحلیل شدند. ابتدا با انجام کدگذاری باز بخش‌هایی که با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش می‌توانست به عنوان کد مفهوم اولیه در نظر گرفته شود، مشخص شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری، با توجه به نقش مفاهیم در تبیین مولفه های اقتصادمقاومتی، این مفاهیم در قالب: موجبات علی (علل پدیده اصلی)، راهبردها (استراتژی‌هایی که در پاسخ به پدیده اصلی اتخاذ می‌شوند)، ویژگی‌های زمینه‌ای (شرایط بسترساز خاص مؤثر بر راهبردها)، شرایط محیطی (شرایط عام مؤثر بر راهبردها)، و پیامدها (نتایج به کار بستن راهبردها) به صورت نظری از طریق مدل پارادایمی به هم مرتبط شدند. در پایان با انجام کدگذاری گزینشی، نظریه پژوهش درباره مدل نهادینه‌سازی اقتصاد مقاومتی برای ورزش روایت شده است. برای سنجش روایی این پژوهش، گزارش پایانی فرایند تحلیل داده‌ها و مقوله‌های حاصل شده، به همراه متن مصاحبه برای چهار نفر از مصاحبه‌شوندگان فرستاده شد و از نظرات آن‌ها در کدگذاری‌ها

الزامات اجرایی در بازه زمانی بلند مدت نیاز به یک بستر اجتماعی و یادگیری عمومی و فراگیر دارد تا باور سطوح مختلف به آینده مطلوب را همسان نماید. اینگونه تلاش‌ها نقش حوزه پژوهشی دانشگاه و سایر مراکز تحقیقاتی را نشان می‌دهد تا به این سوال پاسخ دهند که با توجه به تعیین سیاست اقتصادمقاومتی به عنوان مبنای سایر اقدامات و هزینه کردهای دولت و بخش خصوصی، استراتژی‌های نهادینه‌شده اقتصاد مقاومتی در هر حوزه و بالاخص در مقوله مهم ورزش کدام است؟ از این‌رو هدف از این پژوهش، شناسایی مقوله‌های مؤثر علی، زمینه‌ای و نیازسنجی مبحث مدیریت اقتصادی ورزش با نگاه راهبردی اقتصادمقاومتی با حصول اثربخشی قابل قبول در جامعه می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش کیفی بود که با استفاده از راهبرد نظریه داده‌بنیاد استراوس و کربین^۱، نظرات مصاحبه شوندگان درباره مؤلفه‌های نهادینه‌سازی اقتصاد مقاومتی در ورزش تحلیل شد. جامعه آماری در قلمرو پژوهش حاضر، متخصصان و صاحب‌نظران مدیریت ورزشی و اقتصاد بودند که از بین آنها ۱۵ نفر مدنظر قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری پژوهش، روش نظری بود، به این صورت که داده‌ها در جریان پژوهش تکوین یافت و هر داده از تحلیل داده‌های پیشین شکل گرفت. نمونه‌گیری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت. ابزار پژوهش حاضر، مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی بود. سؤالات مصاحبه‌ها از نوع

1. Strauss & Corbin

و طراحی الگو استفاده شد که این روند حدود سه ماه به طول انجامید. همچنین فرایند کدگذاری‌ها توسط ۳ نفر از اساتید صاحب‌نظر که خود عضو گروه مصاحبه نبودند، بررسی و پیشنهادات آن‌ها در تدوین مدل استفاده گردید. پژوهشگر به منظور سنجش پایایی ابزار کیفی، دو مصاحبه آزمایشی ترتیب داد و پس از تحلیل نتایج و سپس مقایسه با اهداف و سؤالات پژوهش، اصلاحاتی در سؤالات و اولویت‌بندی پرسش‌ها داده شد تا باعث افزایش دقت ابزار پژوهش شود.

از آنجا که بدون وجود دقت علمی، پژوهش (کمی یا کیفی) مطلوبیت خود را از دست می‌دهد (Danaeifard, Alwani, & Azar, 2015). برای ارزشیابی پژوهش‌های مبتنی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد، محققان کیفی به جای واژه روایی و پایایی از واژه‌های دیگر مانند مقبولیت، قابلیت انتقال و تأییدپذیری استفاده می‌کنند. مقبولیت به واقعی بودن اشاره دارد. (Pitney & Parker, 2009) روش‌هایی را برای افزایش مقبولیت تحقیق پیشنهاد کردند که شامل منابع متعدد، تحلیل‌گران متعدد و روش‌های متعدد است (Pitney & Parker, 2009). در این زمینه محقق از منابع گوناگون مانند افراد آگاه و منابع مکتوب مختلف به جمع‌آوری داده‌های تحقیق پرداخت. جهت ممیزی پژوهش حاضر از چهار راهبرد باورپذیری^۱ به معنی اینکه آیا یافته‌های تحقیق برای محقق باورپذیر است (معادل روایی درونی است)، برای باورپذیری خود محقق یکی از مصاحبه‌ها را بعد از یک ماه دوباره کدگذاری نمود، نتایج با

ضریب اسکات^۲ مقایسه شد که ضریب بدست آمده ۰/۸۵ بود که نشان از نتایج قابل اتکا و باور می‌باشد. انتقال‌پذیری^۳ اینکه آیا انتقال استنباط از یک بستر به بستر دیگر وجود دارد (معادل روایی بیرونی)، لازم به ذکر است برای اعتمادپذیری و انتقال‌پذیری از روش تحلیل اعضای پژوهش^۴ استفاده شد، در این روش گزارش محقق را از نظر صحت و کامل بودن مطالعه و بررسی قرار گرفت، چرا که خواندن گزارش موجب می‌گردد که مشارکت‌کنندگان حقایق تازه‌ای به‌خاطر آورند یا درک جدیدی از موقعیت بدست آورند، ضمن اینکه تحلیل افراد بیرون از محدوده یک فرد خارج از محدوده فرد یا موقعیتی است که درگیر تحقیق نیست تا نقاط کور تحقیق مشخص شود. در این راستا اتکاپذیری^۵ به معنی اینکه آیا اگرکس دیگری کدگذاری کند به همین یافته‌ها می‌رسد. آیا نتایج یکسان بدست می‌آید (معادل پایایی است) و در نهایت تأییدپذیری^۶ میزانی که یافته‌های پژوهشی تأییدپذیر است. آیا واقعا یافته‌ها از دل داده‌ها بدست آمده است، استفاده گردید. برای تأییدپذیری ۳ نفر صاحب‌نظر کدها، یافته‌ها و مدل را بررسی دادند و تمامی مراحل به صورت جز به جز ارائه شد تا متخصصان خبره نظرشان را در مورد مدل، ارائه نمایند، که همگی مدل را تأیید نمودند.

² . Scott

³ . Transferability

⁴ . Member Checking

⁵ . Dependability

⁶ . Confirmability

¹ . Credibility

یافته های پژوهش

ویژگی های جمعیت شناختی و توزیع فراوانی صاحب نظران و متخصصین حاضر در تحقیق در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی های جمعیت شناختی و توزیع فراوانی نمونه تحقیق

تخصص	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	سال سابقه	تحصیلات
مدیریت ورزشی	۸	۵۳,۳	۱۰۰	۱۸	دکتری
اقتصاد	۳	۲۰	۴۶,۷	۱۸	دکتری
فعالان حوزه کارآفرینی	۴	۲۶,۷	۲۶,۷	۱۹	کارشناسی ارشد و دکتری

بر اساس یافته های جدول (۱) تعداد کل آنها ۱۵ نفر بوده که همه افراد حاضر در تحقیق دارای مدرک تحصیلات تکمیلی هستند و اکثر آن ها

جدول ۲. نمونه ای از مفاهیم استخراج شده و کدهای مفهومی در کدگذاری باز

کد مفهومی
سطح اعتماد اجتماعی بین دولت و ملت لازمه پذیرش و همکاری ملت-دولت و مشارکت-ملی
سرمایه اجتماعی در میزان درک و پذیرش سیاست ها و برنامه های پیشرفت نقش دارد.
کاهش سهم دولت با ورود بخش خصوصی به عرصه عمل
خودکفایی در استفاده از منابع و ظرفیت های موجود
جایگزینی اقدام و عمل به جای شعارگرایی
تولید دانش اقتصادی در دانشگاه و کاربست آن در صنعت
نیازسنجی در تعیین سرفصل های آموزشی
قانونگذاری و نظارت بر حسن اجرای آن
بومی سازی الگوهای فرهنگی و پرهیز از تبیین قوانین و خرده سیاست های غیر منطبق
جذب مدیران متخصص و متعهد برنامه محور
آموزش های مناسب اجتماعی

عنوان کدهای باز گردآوری گردید که قسمتی از این کدگذاری های آزاد جهت نمونه آورده شده است.

کدگذاری محوری

بر اساس یافته های جدول (۲) با استفاده از روش مصاحبه در قالب مدل مذکور، اطلاعات حاصله از دیدگاه ها و نظرات کارشناسانه به صورت معانی مورد هدف پژوهش جمع بندی شد. از این مصاحبه ها، مفاهیم کاربردی، تحت

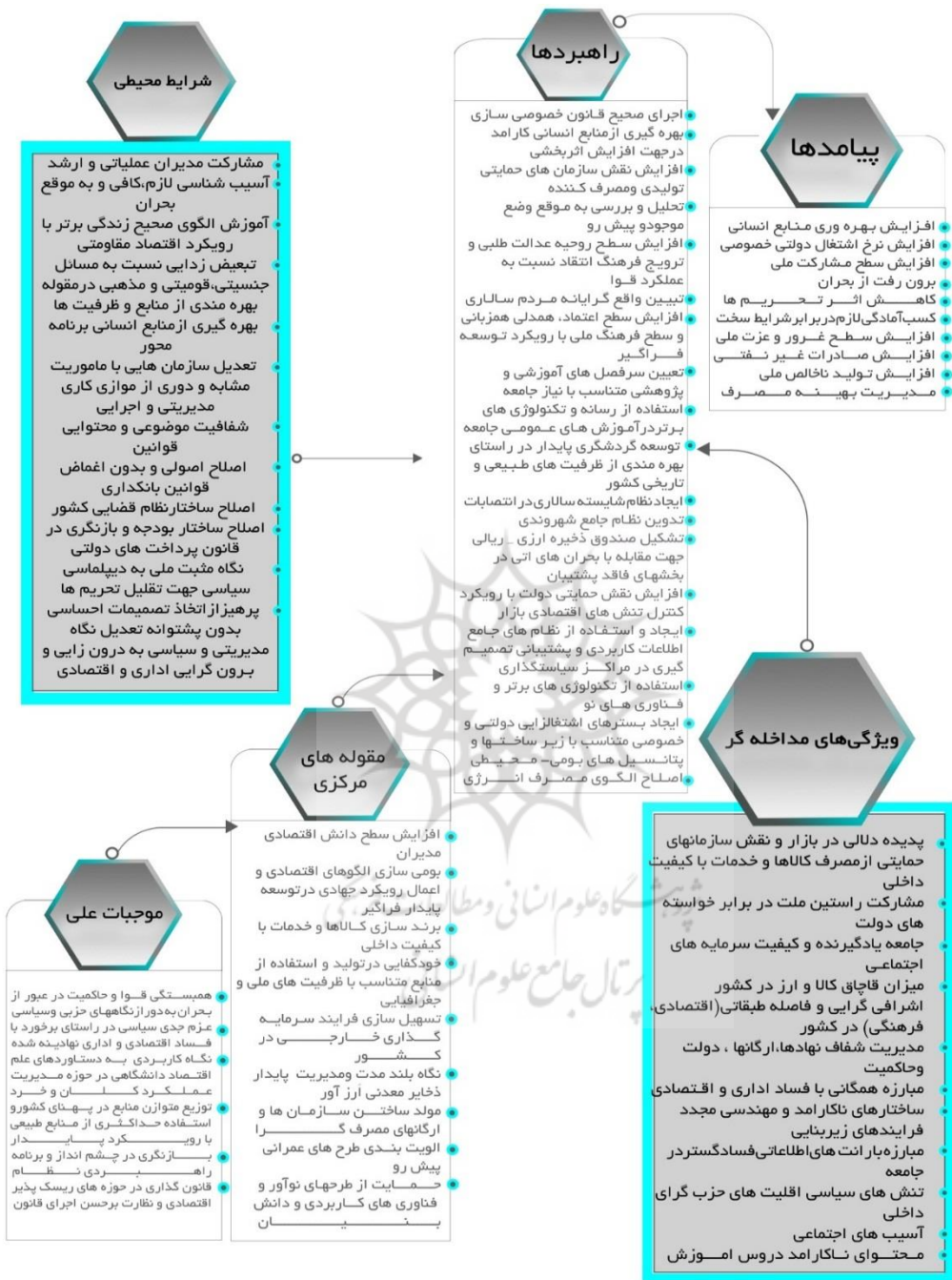
جدول ۳. نمونه‌ای از مقوله‌های شناسایی شده در کدگذاری محوری

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کد مفهومی
محیط فرهنگی و اجتماعی	اجتماعی	۱- بهبود سطح اعتماد دولت و ملت
		۲- روحیه عدالت‌طلبی اجتماعی
		۳- ایجاد فضای نقد منصفانه در اجتماع
	فرهنگی	۴- مشارکت راستین ملی
		۵- فرونی‌یافتن سرمایه‌های اجتماعی
		۶- پرورش جامعه یادگیرنده
محیط قانونی	آموزشی	۱- کاهش فاصله‌های فرهنگی ملی
		۲- آموزش‌های مدون و کاربردی فرهنگی
		۳- تغییر نگرش در رویکردهای غیرکاربردی فرهنگی
	نظام پرداخت	۱- تطبیق سرفصل‌های آموزش پایه مطابق با تغییرات فرهنگی
		۲- تجدیدنظر در سرفصل‌های غیرکاربردی آموزشی دانشگاه
		۳- تعامل روزافزون صنعت و دانشگاه
		۴- بهره‌گیری از رسانه‌های برتر در حوزه آموزش اجتماعی
	نظام مصرف	۱- کاهش فاصله طبقاتی (اقتصادی و اجتماعی)
		۲- توازن در ایجاد ساختار
		۳- توسعه متوازن
		۴- توزیع و تخصیص متوازن منابع
		۵- توجه به ظرفیت‌های مالی و سرمایه‌های بومی
	قوانین پیشگیرانه	۱- اصلاح الگوی مصرف منابع در بخش خرد
		۲- اصلاح استفاده از منابع در بخش کلان
		۳- الویت‌بندی طرح‌های اقتصادی مورد نیاز
		۱- شناسایی لایه‌های فساد
		۲- حذف ساختارهای غیرکاربردی سازمانی

در جدول (۳) پس از انجام کدگذاری باز، به جهت وجود موارد تشابه و تفاوت در لیست بندی مطالب استخراجی از مصاحبه‌ها، فرایند کدگذاری محوری مورد استفاده قرار گرفت و با ادغام برخی از مفاهیم و کدهای مرحله پیشین، کدهای محوری انتخاب شد.

کدگذاری انتخابی

در آخرین مرحله کدگذاری، کدهای محوری برگرفته از مرحله قبل از حیث یکپارچگی و نمایش کلی نگر، کاربردی و جامع از لحاظ معنایی و ارتباط محتوایی با یکدیگر ادغام گردید و سپس به صورت انتخابی استخراج شد تا فرایند سه‌بخشی کدگذاری اتمام یابد. در پایان این مرحله، مدل جامع زیر ترسیم گردید.



شکل ۱. مدل پارادایمی استراتژی های نهادینه شده سیاست اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران

در مدل (۱) که برآمده از فرایند مصاحبه‌ها و کدگذاری می‌باشد موجبات علی که دلیلی بر وقوع پیشامدهای مدنظر است با شش مولفه محتوایی موثر بر پدیده‌های اصلی می‌باشد. این قسمت از مدل با نه مولفه محتوایی و تاثیر پذیری از دو زیر مجموعه مدل که شرایط محیطی با دوازده زیرشاخه و عوامل مداخله‌گر با یازده زیرشاخه هستند به راهبردها منتج می‌شوند. در نهایت و در قسمت پایانی مدل راهبردها به پیامدها ختم می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش فوق با هدف تدوین استراتژی‌های نهادینه‌شده سیاست اقتصادمقاومتی در ورزش ایران به انجام رسیده است. مطالعه متغیر اقتصادی در گستره مدیریت ورزش، اهمیت موضوع فوق را به خوبی عنوان می‌دارد. در این پژوهش نیز تلاش بر آن شده‌است تا مدلی ارائه شود و در آن جزییات نهادینه‌سازی سیاست های اقتصادمقاومتی در ورزش ایران بر اساس نظریه داده‌بنیاد به نمایش گذاشته‌شود. آنچه قابل بیان است روش مورد کاربرد در این تحقیق است که از نظریه داده بنیاد استفاده‌گردیده‌است. پس از پایان مطالعات و در قسمت ارائه مدل، شش آیت ترسیم شد که روابط علی و معلولی و تاثیرات آنها بر یکدیگر قابل درک است. آنچه بیان می‌گردد بر پایه یافته‌های محقق و بر اساس مدل پیشنهادی است. موجبات علی یا شرایط علی، آن دسته از عواملی است که مقوله مرکزی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. با استناد به مدل خروجی، همبستگی قوا و حاکمیت به‌عنوان متولیان سیاست‌گذاری و مدیریت امور جامعه و اتحادنظر در حیطه فکری و بر مبنای

مردم‌سالاری به‌عنوان عاملی تاثیرگذار شناسایی گردید که می‌تواند نقش اساسی در پدیده ورزش داشته باشد. نگاه کلان، هدفمند و بالارزش به موضوعات اصلی جامعه خواهان اتفاق نظر و پیروی از یک اصل است و آن هم انتخاب راه بر اساس اصل منفعت اجتماعی و آینده نگری سودمند می باشد. فاکتور دیگر موثر بر مقوله مرکزی، درک فساد و عزم مدیران برای مقابله جهادی و موثر با آن است در هر زمینه از امورات اجتماعی مثل موضوع ورزش. سایر عوامل در این قسمت نیز نشان می‌دهد دانش‌گرایی، توزیع متوازن منابع، بازنگری در چشم‌انداز نظام و در نهایت قانون‌گذاری از عوامل موثر بر مقوله مرکزی می‌باشد.

مقوله مرکزی یا پدیده‌های محوری مدل نشان می‌دهند که افزایش دانش اقتصادی مدیران ورزش کشور، بومی سازی الگوهای اقتصادی و عواملی از این دست، می‌تواند راه را در ارائه راهبرد مبتنی بر نهادینه‌سازی سیاست‌های اقتصادی در ورزش توانمند سازد. اما به واقع چه راهبردهایی در انتها قابل بحث است؟ موکدا و بر اساس نظرات کارشناسانه، کلان سیاست اقتصادمقاومتی نیازمند پارادایم های ویژه‌ای است که در این پژوهش تحت عنوان راهبرد به آن اشاره می‌شود و تعاملات ویژه‌ای لقب می‌گیرد که از پدیده یا مقوله اصلی برون می‌آید. اما به دلیل رویکرد خاص موضوع پژوهش و ادغام نتایج بررسی ها، اکنون باید به تاثیرات محتوای پژوهش در حوزه ورزش اشاره داشت. در وهله اول، برنامه‌ریزی ساختاری و کلان ورزش مورد بحث است جایی‌که مسیر توسعه و پیشرفت نهادها ریل‌گذاری می شود. اگر به رویکرد مدنظر سیاست‌گذاران و متولیان توسعه

کشور نگاه شود قابل فهم است که در شرایط پیش‌رو، اقتصادمقاومتی چارچوب برنامه‌ریزی قرارگرفته‌است و ورزش نیز مستثنی از این چارچوب نخواهد بود. بررسی‌ها نشان داد که برنامه‌ریزی همخوانا با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیازمند مشارکت مدیران رده‌پایین ورزش در راستای اتخاذ تصمیمات بهتر و همچنین همراهی در طول مسیر اجراست. قبل از تصمیم به برنامه‌ریزی، باید آسیب‌های فضای مدیریت و اقتصاد ورزش به وضوح تبیین و تفسیر شود، قوانین مالی در بخش ورزش دولتی و خصوصی تغییر یابد، ساختارهای ناکارآمد مدیریتی و پرسنلی از شاکله دستگاه‌های اجرایی و نظارتی ورزش حذف و یا تعدیل مناسب گردد. رویکردهای جذب و بکارگیری سنتی و بدون توجیه در سیستم ورزش کشور فراموش شود و نظام تعهدگرایی و شایسته‌سالاری در انتخاب مدیریت عالی ورزش کشور و در ادامه، برای پست‌ها و رده‌های دیگر به معنای واقعی بکارگرفته شود.

نگاه به اقتصاد ورزش ملزم به تغییر است. این نگاه می‌بایست مثبت و هدفمند شود که مانع از اتخاذ تصمیمات غیر اصولی و بی‌ثمر می‌گردد. شواهد نیز حاکی از آن است که تلاش مستمری باید به تحقق شعار مصرف تولیدات و خدمات داخلی ورزش به سبب شرایط مالی حال حاضر ایران انجام گیرد. در بعد دیگر، قانون خصوصی سازی کشور در ورزش نیازمند بازبینی است. این پیشنهاد تغییر به سبب آن است که جامعه فعال در رقابت خصوصی‌سازی، می‌بایست ملزم به حفظ شرایط بهینه فضاها و اماکن دریافتی باشند.

همچنین مرور شرایط کنونی ورزش در دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بیان می‌دارد که تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در این زمینه، نیازمند تغییر نگاه سیاسی و حزبی در کلان پدیده ورزش است. تصمیم‌های منفرد، تنها بسامد هدفگرایی سازمان‌های ورزشی را تشدید می‌کند و گاه‌ا سازمان را دچار خطای مرز بینی می‌نماید. نبود دانش مکفی و به‌روز مدیران مربوطه و ناآگاهی آن‌ها، مشکلات برنامه‌ریزی اقتصادی و حمایتی ورزش را به همراه خواهد داشت که آموزش‌های آکادمیک ساختارمند و توسعه‌محور منطبق با نیاز روز (اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی- سیاسی- تکنولوژیکی) نقش دانشگاه را دوچندان می‌نماید.

به‌طور خلاصه اجرای قانون خصوصی‌سازی در ورزش کشور به‌معنای حقیقی، شایسته‌سالاری، حمایت‌های مادی و معنوی از پدیده تولید کالا و خدمت ورزشی در کشور، نگاه اثربخش به اشتغال‌زایی در پهنای سرزمین، انجام مطالعات علمی و دوری از سلیقه‌گرایی در مدیریت‌های دوره‌ای و کوتاه‌مدت، راهبردهایی است که راه- گشای پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادمقاومتی در این حوزه است. عواملی تحت عنوان شرایط محیطی بیان می‌دارد که آسیب‌شناسی لازم و کافی مدیریت و اقتصاد ورزش، آموزش‌های الگوی صحیح زندگی و رفتاری و تبعیض‌زدایی جنسیتی به‌خصوص در ورزش با تأثیر بر راهبردها نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کنند. همچنین پدیده دلالتی ورزشی، اشرافی‌گرایی، رانت‌های اطلاعاتی، مالی و محتوای غیرکاربردی سیستم آموزشی عوامل مداخله‌گر در اجرای راهبردها هستند. منتج بر این بیانات، با اجرای راهبردهای برآمده از مدل ترتیبی داده بنیاد،

به کشور می‌باشد (Khaleghian & Meymand, Waez Barzani, Heidari, & Toghyani, 2017).

از سوی دیگر Farzandi Ardakani et al. (2015) به شناسایی راهبردهای حیطه اقتصاد مقاومتی پرداختند و موانعی را همچون ناکارآمدی نظام پولی و بانکی، فقدان الگوی مصرف بهینه، نبود حمایت اثربخش از حقوق مصرف کننده، نارسایی اقتصادی برآمده از فساد اداری و اقتصادی و واردات زیانبار عنوان کردند (Farzandi Ardakani, Yousefi, & Annanpour Kheirabadi, 2015).

همچنین راهبردهای مشابه تحقیق موردبحث با مدلحاضر تحت عناوینی همچون حمایت از تولید، اشتغالزایی، اصلاح ساختار بخش دولت، بازنگری در مدیریت مصرف و مواردی از این دست از لحاظ محتوایی قابل بیان می‌باشد.

Hosseinpour et al. (2016) نیز چهار-استراتژی در رابطه با اقتصادمقاومتی بیان داشتند (Hosseinpour, Rezaei, Manesh, & Mohammadi, 2016) که زیر مجموعه استراتژی بازدارندگی، مقابله، ترمیم و پخش، نتایجی مشابه با مدل پیشنهادی را داراست. با این توضیح، استفاده از ظرفیت های بخش خصوصی در استراتژی بازدارندگی، حمایت از محصولات دانش بنیان و اجرای اصل خصوصی سازی در راستای بهبود فضای رقابتی و کسب و کار در استراتژی مقابله، اصلاح الگوهای مصرفی، بازنگری در بهره گیری از منابع و اصلاح نظام اداری در بخش استراتژی های جذب و سهمیه بندی یارانه ای موثر از استراتژی های

پیامدهای ویژه ای در حیطه اقتصادی و اجتماعی قلمرو ورزش به بار خواهد نشست. برای مثال، طی کردن روند شایسته سالاری، تقویت محتوای آموزشی و استفاده از منابع انسانی کارآمد در این حوزه، بهره وری سرمایه های اجتماعی را به طور چشمگیر افزایش خواهد داد. نرخ اشتغال در ورزش پیامد دیگری است که به طور قاطع سیر صعودی به دنبال خواهد داشت و اشتغال موثر و پایدار را بهبود می بخشد. در نگاه کلان و با اجرای صحیح راهبردها و اقدامات به شکل برنامه ریزی شده و مدون، تاثیرات مثبت بر میزان تولید ناخالص ملی و کاهش اثرات منفی تحریم ها در همه زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله موضوع ورزش ملموس خواهد شد.

در ادامه، مقایسه مبانی اطلاعاتی برآمده از تحقیق با سایر پژوهش های مرتبط، هدفمندی و اعتبار یافته های تحقیق را تحلیل و تایید خواهد نمود. با این نظر، (Asadi, 2014) در پژوهشی با تبیین ارتباط معنایی اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی الزاماتی را در این خصوص ارائه می دهد که در این باره مدیریت علمی، کاهش تاثیر بحران ها با شناسایی به موقع، تولید ملی پایدار، توجه به ظرفیت سرمایه های اجتماعی و فرهنگ سازی، گره گشای اجرای سیاست های اقتصادمقاومتی خواهد بود. همچنین می توان اظهار نمود غرابت معنایی مدل پیشنهادی در این تحقیق و یافته های پژوهش Khaleghiam & Meymand et al. (2017) مرتبط با راهبردهای اقتصاد مقاومتی نشان می دهد که وجه اشتراک یافته ها، حمایت موثر دولت از تولید، برخورد قاطع با فساد، چاره اندیشی پیرامون پدیده دلالی مخرب و هدفمندی واردات

در پایان می‌توان گفت توجه به خواست اجتماعی و حاکمیتی و تفاهم در دستیابی به اثرات پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادمقاومتی، تبیین آینده‌ای مطلوب و درک اهمیت بحران‌های احتمالی پیش‌رو وابسته به بهره‌گیری از پژوهش‌های علمی است. در این راستا آنچه به‌عنوان اولویت‌های سیاست‌های اقتصادمقاومتی در ورزش از آن یاد می‌شود می‌توان به رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا در حوزه اقتصادمقاومتی در ورزش عنوان نمود که هر یک از این حوزه‌ها خود به‌تنهایی مولد جریانی پویا و اثرگذار بر نهادهای پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادمقاومتی در ورزش خواهند بود.

منابع

- Amini Roshan, Z., Sharifian, E., & Nurayi, T. (2014). Comparison Use of Promotion Mix Strategies in Sport Industry Product Section in Iran. *Sport Management Studies*, 5(21), 97-110. [Persian]
- Asadi, A. (2014). Islamic economic system is a complete model for Resistive Economy. *Scientific Journal Management System*, 2(Vol 2- No5), 25-39. [Persian]
- Askarian, F., & Jafari, A. (2007). A Study of the International Exchanges of Iranian Sporting Goods in 1998 and 2001. *Olympic Quarterly*, 15(4), 97-103. [Persian]
- Danaeifard, H., Alwani, M., & Azar, A. (2015). *Qualitative research methodology in management: a comprehensive approach*. Tehran: Saffar Publications. [Persian]

پخش را می‌توان به لحاظ تشابه دستاوردی مورد اشاره قرار داد.

با توجه به آنچه در راهبردها خاطرنشان شده است پیاده‌سازی کلان‌سیاست اقتصادی مقاومتی در ورزش ایران با راهبردهای بسیارزایدی قابل اجراست. یکی از این راهبردها پرداختن به موضوع خصوصی‌سازی به معنای واقعی است که بر کم‌شدن نقش دولت در رقابت با بخش خصوصی است. این مقوله مهم می‌تواند سهم دولت را هم در مدیریت اماکن و هم در هزینه‌کردهای غیرضروری کاهش دهد و منابع درآمدی آن را بهبود ببخشد. از راهبردهای پیشنهادی برخاسته از مدل، تغییر نگرش فرایند استخدام و بکارگیری نیروی انسانی و کادر مدیریتی ارشد کشور با نگاه بهره‌گیری از مدیران درآمدزا به جای مصرف‌گرا و با کارآمدی بیشتر است که موجب افزایش اثربخشی و کارایی ساختارهای دولتی و درنهایت رشد شاخص اقتصادی دستگاه‌های دولتی می‌گردد. از دیگر راهبردهای استخراجی، ایجاد صندوق‌های ذخیره ارزی-ریالی و نگاه به سرمایه‌گذاری بلند مدت در جایگاه ارشد سیاست‌گذاری ورزش ایران با کمک مراجع قانون‌گذار می‌باشد که می‌توان با دو رویکرد کاهش یا رفع بحران‌های آتی و همچنین توسعه بهتر به موازات پشتوانه مالی موجود در صندوق ذخیره به آن پرداخت. پیامدهای حاصله حاکی از این مطلب است که تجمع سرمایه‌های محسوس و نامحسوس، مهندسی ساختار، تغییرنگاه برنامه‌های مقطعی و گرایش به آینده‌نگاری، راه‌گشای تحقق سیاست کلان اقتصادی به سبب حساسیت جامعه مورد بحث و گستردگی حیطه آن خواهد بود.

- Iran. *Journal of Defense Policy*, 25(97), 36-80. [Persian]
- Hosseinpour, D., Rezaei Manesh, B., & Mohammadi Siahboomi, H. R. (2016). The Relationship between the Jihadi Management and the Strataegies of Resistive Economy. *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, 24(79), 99-122. [Persian]
 - Kennelly, M., & Toohey, K. (2014). Strategic alliances in sport tourism: National sport organisations and sport tour operators. *Sport management review*, 17(4), 407-418.
 - Khaleghian Meymand, A., Waez Barzani, M., Heidari, M. R., & Toghyani, M. (2017). Fiscal Policy in Moqawama Economy Strategies. *Islamic Economics*, 17(66), 13-45. [Persian]
 - Lashkar Boloki, M. (2011). *Commands and Techniques of Strategic Thinking*. Tehran: Nas Publications. [Persian]
 - Lotfalipour, M. R. (2004). Economics, School of Economics and Systems of Islamic Economics. *Journal of the Faculty of Administrative Sciences and Economics*, 16(3 & 4), 89-106. [Persian]
 - Makian, S. N., & Zangiabadi, P. (2016). *Sanctions and requirements of a resistance economy*. Paper presented at the Proceedings of the First Conference on Resistance Economics. [Persian]
 - Miles, S. J., & Van Clieaf, M. (2017). Strategic fit: Key to growing enterprise value through organizational capital. *Business Horizons*, 60(1), 55-65.
 - Mobini Dehkordi, A., & Heidari, H. (2014). *Fundamentals of Strategic*
 - Daneshjafari, D., & Karimi, S. (2015). Oil, 6th development plan, resistive economy. *Scientific Journal Management System*, 2(Vol 2- No 8), 1-35. [Persian]
 - Eidelkhani, Y., Akhavan, P., & Hosnavi, R. (2017). A model of knowledge management process impact on resistive economy in Islamic Republic of Iran (case study: Ansar Bank). *Journal of Emergency Management*, 5(2), 65-76. [Persian]
 - Farzandi Ardakani, A. A., Yousefi, M., & Annanpour Kheirabadi, M. (2015). Resistance Economy in the Islamic Republic of Iran: Challenges and Strategies. *Quarterly Journal of Contemporary Research of the Islamic Revolution*, 1(1), 63-87. [Persian]
 - Fashari, M., & Pourghfar, J. (2014). nvestigating and explaining the model of resistance economy in Iran's economy. *Economic Journal*, 14(5), 29-40. [Persian]
 - Ghalibaf, M. B. (2010). *A strategic view of the sports system in the country from the program of progress and justice*. Tehran: Negarestan Publishing. [Persian]
 - Gohar Rostami, H. R., Koozehchian, H., Amiri, M., & Honari, H. (2012). Typology of stakeholders and their strategic management in the country's sports system. *Sports Management Studies*, 5(19), 959-971. [Persian]
 - Goya, M. A. (2014). *Analysis of Economic Behaviors in Resistance Economics with Emphasis on Islamic Teachings*. (Master Thesis), Imam Sadegh University. [Persian]
 - Heydari, M. (2017). A study on the meaning and concept of resistance economy in the Islamic Republic of

- Seyed Javadin, S. R., Barari, M., & Saatchian, V. (2014). Relationship Marketing in Sport Industry. *Journal of Sport Management*, 6(24), 15-34. [Persian]
- Soleimani, Y., & Seyyedhoseinzadeh Yazdi, S. (2016). Explaining the approaches and components of moqawama economy(CASE STUDY: explaining the twelfth paragraph of policies: the components of economic diplomacy). *Scientific Journal Management System*, 4(Resistive Economy), 91-114. [Persian]
- Tahmasbpour Shafiei, M., Hosseini, S. E., Dosti Pashaklaei, M., & Alizadeh, F. (2016). Assessment of the marketing mix Premier League football in Mazandaran (7p). *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 12(23), 251-268. [Persian]
- Zhang, X., Sh, M., & Foo, S. (2012). Library and Information Science Trends and Research: Asia. *Oceania*, 2, 125-147.
- Environmental Science*: Saffar Publications. [Persian]
- Mohammad Kazemi, R., & Omid, Y. (2011). Sport entrepreneurship: an emerging approach to entrepreneurship and sport management. *Two Quarterly Journal of Research in Sport Management and Motor Behavior*, 9(2), 86-69.
- Moharramzadeh, M. (2006). Comparative Study of Procedures of Collegiate Sport Marketing in Iran and Turkey. *IRPHE*, 12(3), 93-108. [Persian]
- Montes, F. J. L., Moreno, A. R., & Fernández, L. M. M. (2004). Assessing the organizational climate and contractual relationship for perceptions of support for innovation. *International Journal of manpower*.
- Nazari, R., Tabatabaei, M., & Karimian, J. (2017). An Analysis of the Barriers to Implementing Isfahan Sports Strategic Plan Based on the Fortune Model. *Journal of Sport Management*, 9 (1), 99-112. doi:10.22059/jsm.2017.62275. [Persian]
- Pitney, W. A., & Parker, J. (2009). *Qualitative research in physical activity and the health professions: Human Kinetics*.
- Salimi, M., Sultan Hussein, M., & NaderianJahromy, M. (2015). Assessment of obstacles to the development of sports marketing. *Journal of Sport Management*, 29(1), 13-36.
- Seif, A. M. (2012). Proposed model of resistance economy of the Islamic Republic of Iran (based on the view of the Supreme Leader). *Scientific Journal of Security Horizons*, 5(16), -. [Persian]



Institutionalization of Resistance Economics in Iranian Sport
Vahid Hajiheydari¹, Rasool Nazari^{2*}, Eman Bastanifar³

Received: Feb 20, 2018

Accepted: Nov 13, 2019

Abstract

Objective: The present study aims to editing institutional strategies in macro policies of resistance economics in Iran's' sport based on systematic plan of grounded theory.

Methodology: Participant in the research are twelve experts in the realm of sport management and economy. A theory sampling was implemented. Data was developed through the research procedure and each data was shaped as the consequent of previous data analysis. Sampling was continued to achieve to a complete theoretical element. In-depth and discovery interviews were implemented as the research instruments. A panel of stuff experts and pilot interviews also confirmed its validity. Analyzing and interpreting data, the researchers took advantage of open and selective coding.

Results: At the end of interviews, coding procedures was detected as follows; 193 open codes, 95 axis codes, 73 selected codes in form of 6 dimensions of paradigm model including logical reasoning, central elements, strategies, background features, intervention situations, and consequences.

Conclusion: In general, it can be concluded that the integration of the categories based on the existing relationships between causal factors, environmental factors, intervening conditions and strategies around the institutionalization of resistance economy in sport can have a positive effect on the macroeconomic level of the Iranian economy.

Keywords: Resistance Economy, Strategies, Macro Policy, Sport Management, Institutionalization

1. Ph.D student of sport management, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Isfahan, Iran 2. Associate Professor, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Isfahan, Iran 3. Assistant Professor, University of Isfahan, Isfahan, Iran

* Corresponding author's e-mail address: nazarirasool@yahoo.com, r.nazari@khuif.ac.ir